



بعد از ملاصدرا شخصیتی مکتب ساز ظهور نکرد/ دین با فلسفه زیر سؤال نمی‌رود

یک استاد حوزه و دانشگاه با بیان اینکه ملاصدرا توانست با دستمایه‌های فلسفه اشراق و به ویژه حکمت مشایی و دستاوردهایی که از متکلمان و عرفا کسب کرده بود.

یک استاد حوزه و دانشگاه با بیان اینکه ملاصدرا توانست با دستمایه‌های فلسفه اشراق و به ویژه حکمت مشایی و دستاوردهایی که از متکلمان و عرفا کسب کرده بود حکمت متعالیه را ایجاد کند، گفت: ملاصدرا نام حکمت متعالیه را بر آن گذاشت چراکه به تأیید فلاسفه بعد از او، تمام اشکالات دوره‌های قبلی را پوشاند و باعث شد حکمت‌های دیگر در این حکمت تعالی پیدا کنند. حجت الاسلام دکتر محمدتقی یوسفی با بیان اینکه فلسفه اسلامی با نهضت ترجمه آغاز می‌شود، درباره دوره‌های شاخص فراز و فرود فلسفی اسلامی در تاریخ اندیشه اسلامی به خبرنگار مهر گفت: تقریباً از پایان قرن دوم تا حدود قرن چهارم دورانی است که فلسفه به فضای اسلامی ورود پیدا می‌کند. در این دوران ما اوج چندانی را در مباحث فلسفی مشاهده نمی‌کنیم، در واقع به صورت متفرقه از مباحث فیلسوفان یونان استفاده می‌شود، تا اینکه حدود قرن چهارم هجری "کندی" پیدا می‌شود و فلسفه یونان را به فلسفه بومی-اسلامی تبدیل می‌کند. به همین دلیل او را به عنوان اولین فیلسوف اسلامی می‌دانند.

وی افزود: بعد از این دوره، فارابی از راه می‌رسد، او فلسفه اسلامی را از کندی و از کسانی که در فضای فلسفه اسلامی اقدامات کژدارمیزی انجام داده‌اند، گرفته و به نوعی بنیانگذاری می‌کند، با این همه اوج فلسفه اسلامی به زمان ابن سینا می‌رسد. ابن سینا با خلق حکمت مشاء شاگردان بسیاری را تربیت و فلسفه اسلامی را در این دوره به دوران فراز خود می‌رساند، ناگفته نماند هرچند که بستر اجتماعی لازم در دوره ابن سینا آن طور که باید و شاید فراهم نبود و با وجود حمایت برخی فرمانروایان قلمروهای اسلامی اما متأسفانه ابن سینا مدام در حال گریز و زندان و کش و قوس‌های سیاسی بود.

این استاد حوزه و دانشگاه در مورد مخالفان فلسفه اسلامی یادآور شد: در قرن ششم، فلسفه با انتقادات جدی از سوی بسیاری افراد از جمله غزالی و فخر رازی قرار می‌گیرد. آنها فلسفه اسلامی را بسیار مورد فشار قرار داده و اشکالاتی به آن وارد می‌کنند، تا اینکه شیخ اشراق ظهور می‌کند و درصدد دفاع از فلسفه برمی‌آید، البته سهروردی نیز اشکالاتی بر رویه حکمت مشاء دارد و همین موضوع باعث می‌شود فلسفه دیگری به نام فلسفه اشراق را بنا کند. در واقع سهروردی با آوردن حکمت اشراق سعی می‌کند نقصی که به نوعی در فلسفه اسلامی وجود داشته را پوشش دهد، با این همه شیخ اشراق نیز چندان موفق نشد تا انتظاری که از فلسفه می‌رفت را محقق کند و می‌توان گفت اغلب شاگردانش بودند که به دفاع از او برمی‌خواستند.

عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم قم افزود: در دوره صفویه، در قرن دهم-یازدهم، فضای علمی اصفهان و به تعبیری مدرسه اصفهان شکل می‌گیرد. صفویان بستر مناسبی برای دانشمندان و علمای شیعه فراهم می‌کنند و فضای رو به رشدی برای کسب علم در اصفهان ایجاد می‌شود. در قرن یازدهم شخصیتی مثل ملاصدرا در اصفهان، فلسفه را به اوج خود می‌رساند. هرچند که بی‌مهری‌هایی در مورد ملاصدرا می‌شود و اختلافات بروز می‌کند و منجر به تبعید ملاصدرا از اصفهان به کهک قم می‌شود، اما در آنجا هم بیکار نمی‌ماند و تحقیقات خود را از سر می‌گیرد و شاگردانی پرورش می‌دهد.

حجت الاسلام یوسفی گفت: به طور کلی اوج فلسفه اسلامی در حکمت متعالیه توسط ملاصدرا شکل گرفت و عامل اصلی آن نیز فضایی بود که حکومت صفویه ایجاد کرده بود و عرصه را بر علمای شیعه تنگ نکرد. در این فضا ملاصدرا توانست با دستمایه‌های فلسفه اشراق و مخصوصاً حکمت مشایی و دستاوردهایی که از متکلمان و عرفا کسب کرده بود حکمت متعالیه را ایجاد کند. ملاصدرا نام حکمت متعالیه را بر آن گذاشت چراکه به تأیید فلاسفه بعد از او، تمام اشکالات دوره‌های قبلی را پوشاند و باعث شد حکمت‌های دیگر در این حکمت تعالی پیدا کنند. به قول ملاصدرا هم قرآن بود، هم بحران و هم عرفان.

وی افزود: بعد از ملاصدرا شخصیت دیگری که بتواند مکتب ساز باشد را سراغ نداریم. اما با این حال فعالیت ایشان به وسیله شارحانی همچون ملا هادی سبزواری، ملا عبدالله زنوزی و... تا عصر حاضر که افرادی مثل مرحوم علامه طباطبایی، آیت الله جوادی عاملی، آیت الله حسن زاده و آیت الله مصباح و... بیشتر در فضای فلسفه اسلامی و شرح و بسط حکمت متعالیه کار کرده اند.

این دکترای فلسفه اسلامی در پاسخ به این سوال که چه بسترهایی اجتماعی و فکری این فراز و فرود را به وجود آوردند؟ این طور پاسخ داد: مهمترین بستر فکری برای بسط فلسفه اسلامی، بستر فکر دینی بود. علی رغم تصور اشتباه عده ای مبنی بر اینکه در صورت حرکت به سمت فلسفه، دین زیر سوال می رود یا مکتب اهل بیت خلوت می شود، فضای دینی بستری فراهم کرد تا فلسفه رشد پیدا کند همان طور که عرفان رشد داده شد. نمونه بارز آن حکمت ملاصدرا است که از بستر نقل و از بستر دین برای فلسفه استفاده کرد و برای فراهم آوردن حکمت متعالیه حتی از آیات و روایات نیز بهره گرفت.